

---

## جایگاه گفتمان استکبارستیزی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران: (مطالعه موردی: بیانیه گام دوم انقلاب)

---

حسین فرزانه پور<sup>۱</sup> (نویسنده مسئول) - احسان مزدخواه<sup>۲</sup> - ریحانه نورمحمدی<sup>۳</sup>

### چکیده

با پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، گفتمان برآمده از انقلاب و آرمان‌های امام خمینی علیه السلام به عنوان الگوی عملی حکومت‌مندی، در عرصه‌های متفاوت مدنظر قرار گرفت. در این تحول گفتمانی از پهلوی به جمهوری اسلامی مبانی، آموزه‌ها و ایدئولوژی دچار تغییر و تحول شدند. درگفتمان انقلاب عنصر دین و آموزه‌های ناب مذهبی، مانند: مقاومت، سلطه‌ستیزی، استقلال‌طلبی، عدالت‌خواهی و به تعبیری دیگر استکبارستیزی به عنوان دال متعالی گفتمان برآمده از انقلاب اسلامی مفصل‌بندی شد. با وجود اینکه مفهوم استکبار تا قبل از انقلاب و درگفتمان پهلویسم جایگاهی نداشت، بعد از پیروزی انقلاب با

---

۱. دانشیار گروه علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، استان خراسان جنوبی. hfarzanepour@birjand.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، استان خراسان جنوبی. ehsanmozdkhah@yahoo.com

۳. دانشجوی کارشناسی‌ارشد علوم سیاسی دانشگاه بیرجند، استان خراسان جنوبی. reyhane.normohammadi@gmail.com

توجه به مبانی هویتی اسلامی، استکبارستیزی وجه غالب گفتمان انقلاب شد. به طوری که این عنصر به عرصه سیاست خارجی راه پیدا کرد و موجب شکل‌گیری یک گفتمان جدید برآمده از مبانی هویتی-اسلامی شد. در طول سالیان پس از پیروزی، مبارزه با استکبار و استکبارستیزی درآرا و افکار رهبران انقلاب به‌عنوان عامل محرک در جهت‌گیری سیاست خارجی جمهوری اسلامی در دوران پساپهلوی، بود. به طوری که این امر همچنان بعد از ۴ دهه یکی از ارکان مهم بیانیه گام دوم رهبر انقلاب قرار گرفت. نوشتار حاضر درصدد است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی به این سوال پاسخ دهد که گفتمان مبارزه با استکبار مطابق با مبانی اسلامی آن و بیانیه گام دوم انقلاب در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران چه جایگاهی دارد و چه هدفی را دنبال می‌کند؟ یافته‌های تحقیق دلالت بر آن دارد که: اتحاد و انسجام داخلی، توجه به فرهنگ اسلامی، توانمندی اقتصادی، تقویت توان نظامی و استفاده از نیروهای جوان در مدیریت کشور میتواند سبب تقویت تفکر استکبار ستیزی در عرصه‌های سیاسی داخلی و خارجی گردد. در نتیجه می‌توان با آگاه ساختن مستضعفین جهان آنها را در برابر استکبار جهانی تقویت نمود که این امر جز تنها با دستورکار قرار گرفتن مبارزه با استکبار در سیاست خارجی کشور امکان پذیر نمی‌باشد.

واژگان کلیدی: گفتمان انقلاب، استکبارستیزی، بیانیه گام دوم، سیاست خارجی

## مقدمه

انقلاب اسلامی ایران از مهم‌ترین وقایع قرن بیستم به‌شمار می‌رود. این انقلاب به دلیل ماهیت اسلامی، جهان‌شمولی و نگاه جهانی خود، نقشی مهم در جهان‌کنونی برای خود ترسیم نموده و اصول سیاست خارجی ایران به عنوان شاخصه‌ای از اسلامی بودن آن، سبب منشاء تغییرات و تحولات منطقه‌ای و جهانی توسط انقلاب اسلامی شده است که این تحولات در به چالش کشیدن ساختار سیاسی و کارکرد نظام بین‌الملل، تردید در اقتدار بلوک غرب در منطقه و بی‌اعتباری نظام دو قطبی حاکم بر جهان، موثر بوده است. وقوع انقلاب ایران همزمان با جنگ سرد بین دو بلوک شرق به رهبری شوروی و بلوک غرب به رهبری آمریکا به وقوع پیوست. قبل از انقلاب در راستای استراتژی مهار شوروی، ایران به عضویت پیمان سنتو درآمده بود. اما بعد از شکست آمریکا در جنگ ویتنام و مخالفت افکار عمومی این کشور، نیکسون در استراتژی دو ستونی که ستون نظامی ایران و ستون مالی عربستان را شامل می‌شد، ایران را ژاندارم خود در منطقه کرد. اما وقوع انقلاب راهبرده‌ای منطقه‌ای این دو بلوک قدرت را دستخوش تغییر کرد. با وقوع انقلاب اسلامی در کشوری که تا قبل از آن به عنوان ژاندارم منطقه شناخته می‌شد، یک خلاء قدرت به وجود آمد. همچنین خروج ایران از پیمان سنتو پس از انقلاب اسلامی که در نتیجه، از بین رفتن این پیمان و ایجاد فاصله میان پیمان‌های ناتو و سیتو را به دنبال داشت.

اما از آنجایی که نظام پهلوی در ابتدای تاسیس خود، به وسیله یک کودتا به روی کار آمد و در ادامه نیز در دوره پهلوی دوم در سال ۱۳۳۲ توسط آمریکا و انگلیس این نظام را با کودتایی دیگر نجات دادند، در نتیجه می‌توان گفت نظام پهلوی، از لحاظ سیاست خارجی و داخلی حکومتی وابسته بود. همان‌طور که بیان شد انقلاب اسلامی، سبب تغییر در فرآیند وابستگی و دست‌نشانده‌گی نظام سیاسی ایران به غرب در سیاست‌های استقلال طلبانه در سطح داخلی و خارجی شد. همچنین مبانی دینی انقلاب اسلامی که برخاسته از اندیشه‌های شیعی امام خمینی بود، کارگزاران انقلاب اسلامی را به اتخاذ سیاست‌های

استقلال طلبانه در عرصه سیاست خارجی دعوت می نمود. موضع انقلاب اسلامی در قبال استکبارستیزی و مبارزه با امپریالیسم به گونه ای بود که صراحتاً این ایده در فصل دهم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران گنجانده شده است. با بررسی گفتمان های حاکم بر ایران در دوره پهلوی و انقلاب اسلامی، ما شاهد رشد تفکر اسلامی و بسط آن در تمام اجزای نظام هستیم. به گونه ای که در بیانات رهبران انقلاب اسلامی، تأکید بر مفاهیم اسلامی و همچنین مبارزه با استکبار که در دین اسلام به قاعده نفی سبیل مشهور است، این مواضع به وضوح نمایان است. بیانیه گام دوم انقلاب که تصویری از گذشته و آینده انقلاب اسلامی را نشان می دهد، در سال ۱۳۹۷ به تبیین دستاوردهای چهل ساله انقلاب اسلامی پرداخته و آرمان های انقلاب را بیان نموده است. مهم ترین بحث در این بیانیه، مبارزه با استکبار در همه جوانب زندگی سیاسی و اجتماعی جوانان و راهبردی برای فردای ایران می باشد. همان طور که بیان شد از اهداف و آرمان های انقلاب اسلامی در سیاست خارجی اهمیت موضوع استکبار ستیزی بود به طوری بعد از سپری شدن ۴ دهه از انقلاب اسلامی، با دقت نظر و تحلیل مفهوم استکبار ستیزی به عنوان یکی از ارکان مهم بیانیه گام دوم رهبر انقلاب، میتوان مسیر آینده جمهوری اسلامی ایران را ترسیم نمود. این مقاله تلاش می کند با روش تحلیلی - توصیفی به تحلیل گفتمان انقلاب ایران و با بهره گیری از مفاهیم استکبارستیزی در قرآن و احادیث به تبیین این موضوع در بیانیه گام دوم انقلاب پردازد.

### مفهوم شناسی

استکبارستیزی: استکبار از دیدگاه فرهنگ سیاسی اسلام، وجود نوعی سلطه گری، سلطه جویی، استعمار و بهره کشی فرهنگی، سیاسی و اقتصادی توسط اقلیت محدودی زورگو و نفع طلب برخیل عظیم توده های محروم می باشد. این عمل، می تواند داخلی باشد؛ به همان طریق که یک عده دیکتاتور و زورگو بر ملت های محروم تحت سلطه خود حاکمیت داشته، آنها را تحت فشار و ظلم قرار دهند و همچنین می تواند بین المللی باشد؛ بدین معنی که دولت و یاکشوری، سایر ملت ها را استثمار و به استضعاف بکشاند که نمونه بارز آن اعمال

سیاست‌های استعمارگونه و امپریالیستی قدرت‌های بزرگ شرق و غرب در جهان می‌باشد (قاضی زاده ۱۳۷۷: ۶۰۹). همچنین استکبار به معنای عدم پذیرش حق از روی تکبر و عناد نیز معنا شده است (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۱۲۶/۵).

از نظر مقام معظم رهبری، مبارزه با استکبار در انقلاب اسلامی و در میان ملت ما یک حرکت معقول و منطقی و دارای پشتوانه علمی و یک حرکت خردمندانه بود، و از نظر ایشان برخلاف آنچه بعضی می‌خواهند و انمود بکنند که این یک حرکت شعاری است، احساساتی است، متکی به منطق و عقلانیت نیست، بعکس، حرکت ملت ایران یک حرکت متکی به عقلانیت است (آیت‌الله خامنه‌ای، ۱۲ آبان ۹۴، بیانات در دیدار دانش‌آموزان و دانشجویان،

<https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=31309>

رهبرانقلاب اسلامی در تبیین شاخص‌های اصلی انقلاب اسلامی تأکید کردند: «... عدالتخواهی، استقلال و آزادی به معنای حقیقی کلمه، استکبارستیزی و منفعل نشدن در مقابل دشمن، مردم‌گرایی، مستضعف‌نوازی و گرایش به طبقات محروم و پرهیز از اسراف و زندگی اشرافی‌گری جزو مبانی انقلاب اسلامی هستند که به هیچ‌وجه نباید تغییر کنند...» (آیت‌الله خامنه‌ای، دیدار اعضای مجلس خبرگان با رهبر انقلاب، ۷ شهریور ۱۳۸۷، <https://farsi.khamenei.ir/news-content?id=3703>).

مقام معظم رهبری تأکید کردند: «... استکبارستیزی، ایستادگی قاطع در مقابل حرکت کفر و نفاق در سطح جهان و مرزبندی شفاف با دشمنان انقلاب و دین، شاخص‌های اصلی هستند. ایشان در خصوص مرزبندی شفاف با دشمنان بیان داشتند: اگر کسی مرزبندی شفاف با دشمنان انقلاب و دین نکند، قدر خود را کاهش داده است و اگر به آنها گرایش پیدا کند، از دایره نظام خارج می‌شود...» (آیت‌الله خامنه‌ای، ۲ تیر ۱۳۸۹، بیانات در دیدار اعضای بسیجی هیأت علمی دانشگاه‌ها، <https://farsi.khamenei.ir/speech-content?id=9640>). بنابراین استکبارستیزی را به عنوان مرزی میان ایستادگی در برابر کفر و دشمنان انقلاب قلمداد می‌کنند.

سیاست خارجی: از نظر لغوی، جهتی را که یک دولت در روابط خارجی خود برمیگزیند و در آن از خود تحرک نشان می‌دهد و نیز شیوه نگرش دولت را نسبت به جامعه بین‌المللی سیاست خارجی می‌گویند (محمدی ۱۳۶۶: ۲۳).

### پیشینه پژوهش

محسن رضائی جعفری، علیرضا آقا حسینی، علی علی حسینی (۱۳۹۵) در مقاله‌ای با عنوان گفتمان انقلاب اسلامی ایران والزامات اشاعه ارزش‌های آن در عصر جهانی شدن بر اساس نظریه لا کلا وموفه، به مفصل بندی مفاهیم و فرآیندهای هویت‌یابی اشاعه ارزش‌های گفتمان انقلاب اسلامی پرداخته است. فرضیه نویسندگان این است که گفتمان انقلاب اسلامی با دال مرکزی اسلام شیعی توانسته به رقابت با گفتمان‌های اسلام سلفی و اخوانی پرداخته و گفتمان لیبرال دموکراسی را به غیرهویت بخش خود تبدیل نماید و اسلام شیعی با ظرفیت خود میتواند در عصر جهانی عنصری هژمونیک گردد.

آیت الله عباسعلی عمیدزنجانی و محمد مهدی توکلی (۱۳۹۱) در مقاله‌ای با عنوان مبانی دینی اصول سیاسی خارجی جمهوری اسلامی ایران، به بررسی سیاست خارجی ایران بر مبنای اصول اسلامی و آموزه‌های قرآنی پرداخته است. نویسندگان تلاش کردند با استناد به آیات قرآن اصول سیاست خارجی ایران (حفظ استقلال و تمامیت ارضی کشور، نفی سلطه پذیری، نفی سلطه جویی، حمایت از مسلمانان و احیای اندیشه امت اسلامی، حمایت از مستضعفان و پناهندگان و روابط صلح آمیز با دولت‌های غیرمحارب) را تحلیل نموده که این موارد همگی ریشه در مقیاس استکبارستیزی ماهیت انقلاب اسلامی ایران داشته و نویسندگان به خوبی با استناد به قرآن، این اصول قانون اساسی را تبیین و تحلیل نموده‌اند.

سید جعفر طباطبایی و حسین جلالی نوبری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان علل و حوزه‌های استکبارستیزی در گفتمان انقلاب اسلامی، به علل دشمنی استکبار با انقلاب اسلامی و جایگاه استکبارستیزی در گفتمان انقلاب را مورد بررسی قرار داده است. فرضیه این مقاله این

است که چون انقلاب ملت ایران از شعارهای اساسی اسلام به خصوص توحید و عدالت نشأت گرفته است لذا مخالف استکبار و ظلم بوده و همواره با ظالمان و زورگویان مخالفت نظری و عملی خواهد داشت. نویسندگان این مقاله نیز با توجه به آیات و روایت بسیار، رسالت ذاتی گفتمان انقلاب را مقاومت و ستیز بی‌امان در برابر جبهه استکبارمی‌داند و ایران را ام‌القری جهان اسلام، و رهبرانقلاب را به عنوان رهبری امت اسلام معرفی می‌نماید. این پژوهش‌ها همگی به حوزه استکبارستیزی، گفتمان انقلاب اسلامی و اصول سیاست خارجی ایران تکیه داشته‌اند اما هیچ‌یک به طور ویژه به تحلیل بیانیه گام دوم انقلاب نپرداخته‌اند. این نوشتار تلاش می‌کند تا با استفاده از نظریه تحلیل گفتمان نظریه ارنستو لاکلاو و شانتال موفه که از مزایای بسیاری برای تحلیل پدیده‌های سیاسی برخوردار است استفاده نموده و با تحلیل گفتمان انقلاب اسلامی به تبیین بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی بپردازد.

### چارچوب تئوریک:

گفتمان‌ها در واقع منظومه‌های معانی هستند که در آن نشانه‌ها با توجه به تمایزی که بایکدیگر دارند هویت و معنا می‌یابند. لاکلاو و موفه معتقدند هر عمل و پدیده‌ای برای معنادار شدن و قابل فهم شدن باید در درون نظام گفتمانی قرار گیرد. در مجموع گفتمان جهان اجتماعی را معنا می‌بخشد و بر می‌سازد (خالق پناه، حبیبی، ۱۳۹۳: ۳۰۸).

گفتمان یک منظومه معنایی است که واژه‌ها و نشانه‌های آن در کنار هم و در پیوند با یکدیگر مجموعه‌ای معنادار را می‌آفرینند. نظریه گفتمان اساساً در زبان شناسی متولد شد. با استفاده از زبان شناسی سوسور، گفتمان به مجموع‌های از نشانه‌های مفصل‌بندی شده اطلاق می‌گردد و وی زبان را نظامی از اصطلاحات مرتبط بدون ارجاع به زمان در نظر گرفت (دوسوسور، ۱۳۷۰: ۲۷). در اندیشه سوسور پیوند نشانه و معنای اختیاری و ثمره توافق و قرارداد است و هیچ‌گونه ارتباط ذاتی بین نشانه و معنای آن وجود ندارد، در اینجا هم نشانه‌ها و مفهوم‌ها دال‌های شناور هستند که گفتمان‌ها می‌کوشند به آنها معنا دهند.

هرنشانه در درون یک گفتمان به گونه‌ای خاص معنا می‌شود و به یک تثبیت معنایی موقت، دست می‌یابد. در این نظریه برای نشان دادن موقتی بودن معنای نشانه‌ها در درون یک گفتمان، از واژه لحظه یا وقته استفاده می‌کنند. یک لحظه نشانه‌ای که معنای آن به طور موقت تثبیت شده ولی همواره در معرض شناور شدن را داشته و امکان جذب و معنا بخشی آن از سوی گفتمان‌های دیگر وجود دارد. نشانه‌های گفتمانی بیشتر در اطراف یک دال مرکزی سازماندهی می‌شوند (حسینی‌زاده، ۲۰۱۳: ۱۳۸۶). از نظر گفتمانی، شکل‌گیری معنا همانند فرآیندی اجتماعی شامل عمل تثبیت معناست. سلطه یک گفتمان مبتنی بر انسجام معنایی دال‌های دیگر حول دال مرکزی است. اگر گفتمانی موفق شود با تکیه بر دال مرکزی خود، مدلول‌های مورد نظرش را به دال‌های گفتمانی نزدیک کند، آن گفتمان هژمونیک می‌شود. اگر گفتمان رقیب بتواند به کمک ساز و کارهای گوناگون این نظام معنایی را شالوده شکنی و ساختار معنایی متناسب با ذهنیت جمعی مردم بازشناسی کند آن‌گاه هژمونی جدیدی ایجاد کرده است. بنابراین موفقیت گروه‌های سیاسی به توانایی آنها برای تولید معنا بستگی دارد (Laclau, Mouffe, 1985: 109).

### نظریه گفتمان لاکلاو و موفه

نظریه گفتمان لاکلاو و موفه در واقع بسط نظریه گفتمان فوکو در حوزه فلسفه سیاسی- اجتماعی است. لاکلاو و موفه گفتمان را مجموعه‌ای معنی‌دار از علائم و نشانه‌های زبان شناختی و فرازبان شناختی تعریف می‌کنند. در نزد آنان گفتمان صرفاً ترکیبی از گفتار و نوشتار نیست بلکه این دو، خود اجزای درونی کلیت گفتمانی فرض می‌شوند و گفتمان هم دربرگیرنده بعدمادی وهم مزین به بعد نظری است (تاجیک، ۲۰۱۳: ۲۱). از نظر آنها گفتمان مجموعه‌های اصطلاحاتی هستند که به شیوه معنادار به هم مرتبط شده‌اند (Laclau, Mouffe, 1985: 193).

گفتمان در نگاه لاکلاو و موفه نظام معنایی‌ای بزرگتر از زبان است و هر گفتمان، بخش‌هایی از حوزه اجتماع را در سیطره خود گرفته و به واسطه در اختیار گرفتن ذهن سوژه‌ها،



به گفتارها و رفتارهای فردی و اجتماعی آن‌ها شکل می‌دهد. گفتمان از نظر لاکلاو و موفه مجموعه‌هایی از نشانه‌هاست (هوارث، ۱۳۷۷: ۱۸۲-۱۵۶). در نظر آنها، هر عمل پدیده‌ای برای معنادار شدن باید گفتمانی باشد، فعالیت‌های و پدیده‌ها وقتی قابل فهم می‌شوند که در قالب گفتمانی خاص قرار می‌گیرند. هر معنایی را تنها با توجه به عملی کلی که در حال وقوع است و هر عملی را با توجه به گفتمان خاصی که آن عمل در آن قرار دارد باید شناخت (لاکلاو، ۱۳۷۹: ۲۶).

### شاخص‌های نظریه لاکلاو و موفه

۱- دال مرکزی: دو مفهوم دال و مدلول در نظریه لاکلاو و موفه نقش کلیدی دارند و دالها، اشخاص، مفاهیم، عبارات و نمادهایی انتزاعی و یا حقیقی هستند که در چارچوب‌های گفتمانی خاص، بر معنایی خاصی دلالت می‌کنند. معنا و مصداقی که یک دال بر آن دلالت می‌نماید، مدلول نامیده می‌شود. مدلول، نشانه‌ای است که ما با دیدن آن، دال مورد نظر برایمان معنا می‌شود (بهرام پور، ۱۳۷۹: ۱۳۶). دال مرکز دالی است که سایر دال‌ها در اطراف آن جمع می‌شوند و نقطه ثقل همه دال‌ها و انسجام بخش آنها است و اهمیت دال مرکزی از اینجا ناشی می‌شود که لاکلاو و موفه، ظهور یک گفتمان را از طریق تثبیت نسبی معنا حول گره‌گاه‌های خاص می‌دانند (Laclau, Mouffe, 1985: 112).

۲- خصومت، غیریت: لاکلاو مفهوم بیرون سازنده را برای توضیح ویژگی‌های غیریت به کار می‌برد. خصومت در نظریه لاکلاو و موفه به امکانی و موقتی بودن گفتمان‌ها اشاره دارد. اگر خصومت همواره وجود یک گفتمان را تهدید می‌کند و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد، پس همه گفتمان‌ها خصلتی امکانی و موقتی دارند و هیچگاه تثبیت نمی‌شوند. از سوی دیگر، این تضاد همیشه خصلتی ویرانگر ندارد و می‌تواند سازنده هم باشد (Laclau, 1990: 28). غیر از یک سو مانع شکل‌گیری کامل و یا تثبیت گفتمان می‌شود و آن را در معرض فروپاشی قرار می‌دهد و از سوی دیگر، در شکل‌گیری آن نقش بنیادین بازی می‌کند. بنابراین، خصومت از یک سو مانع عینیت و تثبیت گفتمان و هویت می‌شود و از

سوی دیگر سازنده هویت و عامل انسجام گفتمانی است (عضدانلو، ۱۳۷۵: ۲۴).

۳- مفصل بندی: بر اساس نظریه گفتمان لاکلا و موفه مفصل بندی عبارت است از تلفیقی از عناصری که با قرار گرفتن در مجموعه جدید، هویتی تازه می یابند (یورگنسن، فیلیپس، ۱۳۸۹: ۵۶).

۴- هژمونی: از نظر لاکلا و موفه هژمونی در سراسر جامعه وجود دارد و با آن در هم تنیده است. از نظر آنها اگر افکار عمومی معنایی را برای یک دال هرچند موقت بپذیرند، در آن صورت آن دال هژمونیک می شود. هژمونیک شدن دال ها دیگر به معنای هژمونیک شدن کل نظام معنایی و نهایتاً گفتمان و هویت آن می شود. به عبارت دیگر اگر یک گفتمان، نظام معنایی مطلوب خویش را در ذهنیت جمعی اجتماع، تثبیت کند و رضایت عمومی را جلب نماید این گفتمان هژمونیک می شود (Laclau, Mouffe, 1985: 44).

۵- قدرت: قدرت وسیله است که گفتمان توسط آن غیر را طرد کرده و خود را تثبیت می کند. قدرت از نظر لاکلا و موفه عبارت است از: قدرت تعریف کردن و تحمیل این تعریف در برابر هرآنچه آن رانفی می نماید (نش، ۱۳۸۰: ۴۹). گفتمان ها می کوشند به وسیله اعمال قدرت بر یکدیگر پیروز شوند و از آنجا که پیروزی هیچ یک از پیش تعیین شده نیست، نقش اساسی قدرت در بقا یا نابودی گفتمان ها بیش از پیش مشخص می شود. فرکلاف برای توضیح این مطلب از قدرت پشت گفتمان استفاده کرده است (Fairclough, 2001: 53). با توجه به تعاریف بالا می توان گفتمان ایران را به دوره قبل از انقلاب و بعد از انقلاب بازتعریف نمود. در هرگفتمان برخی عناصر نقش پررنگ تری داشته و برطبق الگوی لاکلا و موفه می توان به تبیین این عناصر پرداخت. اگرچه در هر دوره ای، عناصر گفتمانی اهمیت متفاوتی داشته اما این الگو برای مقایسه غیریت، دال ها، قدرت و هژمونی در گفتمان انقلاب و پیش از انقلاب قابل بررسی بوده که در ادامه نوشتار به بررسی این موارد به طور مبسوط می پردازیم.

## گفتمان انقلاب اسلامی و مفصل بندی مفاهیم

گفتمان انقلاب اسلامی ایران باپشتوانه امام خمینی رحمته الله علیه و روحانیت به عنوان یکی از قدرتمندترین گفتمان ها مطرح شده در دوران معاصر است. در این گفتمان نشانه‌ها و مفاهیمی چون مردم‌سالاری دینی، حقوق بشر اسلامی، فقه، اجتهاد، امت‌گرایی در برابر ملی‌گرایی، دفاع از محرومان و مستضعفان برجسته شده و نمودهای گفتمانی آن را شکل داده‌اند. اصول انقلاب اسلامی ایران عبارتند از: اصل خدامحوری، اصل حق تعیین سرنوشت انسان ها، اصل در هم‌تنیدگی دیانت و سیاست، اصل ظلم‌ستیزی، اصل عدالت‌خواهی، اصل معنویت‌خواهی، اصل عقل‌گرایی (عقلانیت)، اصل عام‌بودن مخاطبان که درچارچوب گفتمانی انقلاب ایران صورت بندی شده است (جهانیان، شفازاده، ۱۳۹۲: ۱۱۳). انقلاب اسلامی ایران اندیشه نوین اسلام سیاسی فقهاتی را مبتنی بر اندیشه‌های امام خمینی ارائه کرد. اسلام سیاسی بر ولایت فقیه، فقه و روحانیت به عنوان مفسران اصلی شریعت تأکید دارد (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۲۲۵). نطفه اسلام سیاسی در دهه ۱۳۲۰ بسته شد و اسلام سیاسی به عنوان یک اندیشه در دهه ۱۳۴۰ متولد گردید. اسلام سیاسی قرائتی است که اسلام را متکفل امور اجتماعی و سیاسی و تشکیل حکومت می‌داند. اسلام سیاسی را در عام‌ترین شکل آن، می‌توان به احیا یا تجدید حیات مذهبی در زندگی خصوصی و عمومی تعریف کرد (Esposito, 2000: 31). هدف اسلام سیاسی بازسازی جامعه ایرانی بر اساس احکام فقهی اسلامی است و هرگونه تقلید از غرب را نکوهش می‌کند. با این حال اسلام فقهاتی از مفاهیم و نهادهای مدرنی چون مردم، جمهوریت، دموکراسی، قانون، آزادی، برابری و حتی حقوق بشر استفاده می‌کند و می‌کوشد تا به آنها در چهارچوب گفتمانی خویش معنا دهد (حسینی زاده، ۱۳۸۶: ۲۳۰). به طورکلی در گفتمان انقلاب اسلامی، مفاهیم و دال‌ها بر حول اسلام سیاسی مفصل بندی شده است. به بیانی دیگر مفاهیم مهمی مانند: عدالت، حکومت مطلوب، آزادی، مشروعیت، حقوق بشر و... بر طبق اسلام سیاسی مفصل بندی گردیده است.

### - حکومت مطلوب؛ حاکمیت الهی:

از مهم‌ترین ویژگی‌های حکومت جهانی اسلام، حاکمیت الهی است در اندیشه امام خمینی رحمته‌الله علیه اجرای احکام اسلام به حکومت اسلامی نیاز دارد و اعتقاد به ضرورت تشکیل حکومت و برای دستگاه اجرا و اداره و مبارزه در راه آن جزئی از اعتقاد به ولایت به شمار می‌آید. بنابراین نه تنها اسلام دینی سیاسی است و برای حکومت و قانون برنامه دارد. بلکه مبارزه برای تشکیل حکومت اسلامی نیز واجب بوده و وظیفه دینی مسلمانان است (امام خمینی، ۱۳۵۸: ۱۹). به نظر ایشان، اسلام بنیان‌گذار حکومتی است که در آن نه شیوه استبداد حاکم است که آرا و تمایلات نفسانی یک تن را بر سراسر جامعه تحمیل کند و نه شیوه مشروطه و جمهوری که متکی بر قوانینی باشد که گروهی از افراد جامعه برای تمامی افراد آن وضع کنند. بلکه حکومت اسلامی، نظامی است ملهم و منبعت از وحی الهی است که در تمام زمینه‌ها از قانون الهی مدد می‌گیرد و هیچ یک از زمامداران و سرپرستان امور جامعه را حق استبداد رای نیست. به عبارت دیگر، حکومت مطلوب از منظر اندیشه قرآنی حکومتی می‌باشد که سعادت دنیوی و اخروی شهروندان و جامعه را فراهم آورد و به عنوان یک سیستم در رهنمودسازی دولت - ملت به تعالی پیشران موثر باشد همانطور که در قرآن کریم هم ذکر شده است « وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتَأْتِيَنَّكُمْ عَالِمِ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرُ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرُ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ » (سوره سبأ، آیه ۳) که می‌گوید حکومت الهی، حکومتی است که بر محوریت دستورات الهی در امتداد حاکمیت خداوند متعال قرار گرفته است و در صدد پیاده سازی دستورات توحیدی در جامعه برای پیشرفت، سعادت و کمال می‌باشد. همچنین در سوره مبارکه مائده آیات ۴۴ تا ۴۹ نشان دهنده صراحت اجرای دستورات خداوند در اجتماع توسط یک رهبری الهی است. سپس خداوند در آیه ۶۴ سوره مبارکه انفال می‌فرماید: « يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ » که این آیه نشان دهنده این است که ارکان حکومت اسلامی را خدا و مردم معرفی می‌کند و مبنای یک نظام اسلامی رهبری الهی و حاکمیت الهی

می باشد.

امام خمینی معتقد است که وظیفه فقیه فتوا در حوزه دین است و بنابراین فقیهان به جای ولایت در تبیین دین ولایت در افتاء دارند. از نظرایشان در عصر غیبت، حکومت تعطیل نمی شود و تشکیل حکومت در عصر غیبت واجب است چون بسیاری از امور شرعی اجتماعی، سیاسی، قضایی و نظامی وجود دارد که انجامش در عصر غیبت واجب است و بدون حکومت امکان پذیر نیست (اکبری، ۱۳۸۷: ۵۴).

#### -عدالت:

عدالت خواهی به عنوان یکی دیگر از ارزشهای موجود و معیارهای ثابت در فقه سیاسی شیعه، تعاریف مختلفی از آن ارائه شده است. از نظر شهید مطهری عدل در معنای سیاسی - اجتماعی در مقابل ظلم قرار می گیرد. بر این اساس عدل عبارت است از رعایت حقوق افراد و اعطا کردن به هر ذیحق، حق او را (مطهری، ۱۳۷۵: ۸۰/۱). عدالت در زمینه های مختلفی چون عدالت سیاسی قابل تعریف است که منظور از آن اینست که امور، به نحو شایسته اداره شود تا مردم در یک فضای عادلانه به زندگی خود ادامه دهند. شهید مطهری مشارکت سیاسی را متعلق به همه مردم می داند و آحاد جامعه، حق مشارکت در همه امور سیاسی خویش را خواهند داشت. در مشارکت همگانی نباید تبعیضی میان مردم ایجاد شود. همه احساس کنند به حقوق خود رسیده اند و نیز از آنجا که مردم از رشد و آگاهی سیاسی برخوردارند، ضروری است در همه امور نظارت کنند (میراحمدی، شیری، ۱۳۸۸: ۸۳). بنابراین حکومتی که منتخب مردم است، مسئول و قابل مؤاخذه بوده به همین دلیل امام خمینی رحمته الله علیه یکی از شاخص های عدالت سیاسی را مشارکت برابر می داند. به عبارت دیگر، ارزش عدالت در سطح اجتماعی - سیاسی از منظر قرآن کریم به حدی است که به عنوان اصلی محوری و بدل ناپذیر است که خداوند به اجرای آن فرمان می دهد به طور مثال خداوند در سوره مبارکه نحل می فرماید: « ان الله يامر بالعدل والاحسن » (نحل، آیه ۹۰). در تفسیر چنین

آیاتی می‌توان این گونه برداشته کرد که در جوامع بشری بحث عدالت در ابعاد گوناگون آن است؛ طرح مباحث عدالت در یک جامعه حکایت از آن دارد حیات سیاسی و عقلانی جامعه به منظور پویایی باید در حوزه‌های گوناگون عدالت پیشه عمل نماید و به عنوان یک ایده‌آل در امت‌سازی و ملت‌سازی الهی پیش قدم باشد که وظیفه این اقدام همواره متوجه حکومت می‌باشد.

در آیه‌ای دیگر می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا يَعِظُكُمْ بِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا» (نساء آیه ۵۸)، خداوند در این آیه کلید سعادت و خوشبختی جامعه را قرار گرفتن افراد لایق و عادل در جایگاه‌های رهبری حکومتی است. چنانکه حضور افراد نالایق و ظالم خود سرمنشا نابسامانی‌های اجتماعی می‌گردد. همچنین می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَا نُ قَوْمٍ عَلَىٰ أَلَّا تَعْدِلُوا اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ» (مائده، آیه ۸)، خداوند در این آیه متذکر می‌شود که مبادا کینه و دشمنی شما را منحرف سازد. برای هر کاری باید خلوص نیت داشت و اگر قیام برای خدا باشد کینه‌ها در اجرای عدالت بی‌اثر می‌گردد. در نتیجه حکومت اسلامی عدالتی مستمر و مطلوب را دارد.

#### - دموکراسی، مردم‌سالاری و جمهوری:

در اسلام دموکراسی وجود دارد با این تذکره که در این رابطه، میان بینش اسلامی و بینش غربی تفاوت است (مطهری، ۱۳۵۸: ۹۹). جمهوریت در نظام اسلامی از نظر شهید مطهری مسئله «مربوط است به شکل حکومت، که مستلزم نوعی دموکراسی است. یعنی اینکه مردم حق دارند سرنوشت خود را خودشان در دست بگیرند» (همان: ۸۱). در واقع، از مردم‌سالاری در گفتمان انقلاب اسلامی ایران با عنوان مردم‌سالاری دینی یاد می‌شود که اصطلاح تازه‌ای در گفتمان سیاسی دنیاست و برخلاف واژه‌هایی چون جمهوری اسلامی، پارلمان اسلامی و... که همگی ترکیب‌هایی از یک مفهوم به علاوه یک قید اسلامی هستند، در بستر مبانی

سیاسی اسلام و متأثر از آموزه‌های نبوی و علوی روییده و بر آن است تا ضمن پاسداشت حقوق مردم در حوزه سیاست و اداره امور جامعه و پرهیز از الگوهای حکومتی استبدادی، رعایت اصول و مبانی ارزشی را نشان دهد (فیاضی، ۱۳۸۰: ۴۳). خداوند در آیه ۲۵ سوره حدید می‌فرماید: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ» عدالت را در سایه قانون و رهبری الهی دانسته و فلسفه ایجاد نبوت، ایجاد عدالت است و همچنین مسئولیت بر مردم است که برای عمل و اجرا بپاخیزند. بنابراین آیه مردم باید حکومت و تشکیلات داشته باشند تا بتوانند در مقابل طغیانگران ایستادگی کنند. خداوند برای برقراری عدالت قوانینی وضع نموده و آنها را به وسیله پیامبران و کتاب‌های آسمانی بیان نموده تا در جامعه عدالت بپاگردد. این امر تنها با کمک مردم و حضور همه امت اسلامی در حکومت ممکن پذیر می‌باشد. به طور خلاصه مردم‌سالاری دینی، بر الگویی از حکومت که بر مشروعیت الهی و مقبولیت مردم استوار بوده ناظر است و حاکم نقش خود تنها در چارچوب قوانین الهی، حق‌مداری ایفا می‌کند.

### -آزادی:

گفتمان انقلاب اسلامی ایران در عین تلقی کردن آزادی به عنوان یک ارزش بزرگ انسانی، به هیچ وجه آن را فوق همه ارزشها، قرار نمی‌دهد. در این اندیشه معیار آزادی، مصالح مادی و معنوی افراد و اجتماع است؛ یعنی همان طور که نمی‌توان آزادی اجتماعی و منافع مادی اجتماع را به خطر انداخت، به معنویت اجتماع نیز نمی‌توان لطمه زد (حسینی بهشتی، ۱۳۸۶: ۱۸). در واقع، آزادی یک ارزش اساسی در مجموعه ارزشهای انسانی است، اما همه ارزشهای بشری را شامل نمی‌شود و تحت لوای آزادی نمی‌توان کرامت و حرمت انسانهای دیگر را زیر پا گذاشت. خداوند در آیه ۳ سوره انسان می‌فرماید: «أَنَا هَدَيْتَاهُ السَّبِيلَ أَمَّا شَاكِرًا وَ أَمَّا كَفُورًا» بر این اساس آزادی بر مبنای اختیار به تمام انسان‌ها داده شده است و هرانتهایی سرانجام خود را دارد در نتیجه انسان به ذات فردی آزاد و با قوه اختیار است که راه هدایت برای

او مشخص شده و خود مختار است قدم برچه راهی گذارد و چه سرانجام و عقوبتی داشته باشد. در آیه ای دیگر «الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيَجْلِبُ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيَحْرِمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ عَلَيْهِمْ فَالَّذِينَ آمَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» (اعراف، آیه ۱۵۷) به صراحت یکی از اهداف بعثت پیامبر گرامی ﷺ را تحقق آزادی تلقی کرده است و از دوش آنان قید و بندهایی که بر آنها بوده است را بر می دارد. از نظر قرآن با نبود آزادی دعوت به دین داری عبت و بیهوده است.

#### - استکبارستیزی و دفاع از محرومان و مستضعفان:

مستضعف به عنوان یکی ازواژه های قرآنی، در اندیشه انقلابی امام خمینی رحمته الله علیه نیز جایگاه ویژه ای دارد. رویارویی مستکبران در برابر مستضعفان، تقابل عدل و ظلم، و صف آرایی محرومان و چپاولگران، در کلام و پیام ایشان موج میزد. به طوری که دفاع از مستضعفان و مقابله با استکبار از مفاهیم اساسی گفتمان انقلاب اسلامی ایران قرار گرفت. این مفهوم از عناصر مهم و نقش آفرین در اسلام شیعی است، در واقع گفتمان انقلاب اسلامی ایران ظلم ستیز است و در مقابل، از محروم و مستضعف دفاع می کند. در قرآن کریم استکبارستیزی و راه مبارزه با چنین پدیده ای، وجود رهبری شایسته و جمع شدن یاران و افراد جامعه حول محور چنین کانونی به عنوان قطب پیشران حرکت، دوش شرط اساسی برای استکبارستیزی موجود می باشد که قرآن می فرماید: « وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَلْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا » (نساء، آیه ۷۵) همانطور که از این آیه برمی آید، نخستین تقاضای مستضعفان گرفتار در چنگال دشمن، برای نجات خویش این است که یآوری از سوی خداوند برایشان مقدر فرماید. پس برای نجات از چنگال ظالمان، پیش از هر چیز، وجود یک رهبر لایق برای مبارزه با استکبار و اساساً استکبارستیزی لازم و ضروری است. از



دیگر شروط استکبارستیزی اتحاد و انسجام اجتماعی-سیاسی می باشد؛ به این معنا که کاهش بسترهای تفرقه و افزایش حوزه های وحدت محور گام موثر برای استکبارستیزی است چنان که در سوره مبارکه حجرات آیه ۱۰ بیان می کند: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَأَصْلِحُوا بَيْنَ أَخَوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (حجرات، آیه ۱۰) تفسیر این آیه بدین معناست که اسلام وحدت را به عنوان اصل مشترک توحید و نفی طاغوت می داند و جز پیشران های استکبارستیزی است.

امام خمینی رحمته الله علیه، در این رابطه می فرماید: «اسلام برای مستضعفین آمده است و اول نظرش به آنهاست» (امام خمینی، ۱۳۷۲/۶۸)؛ «تمام ادیان آسمانی ازین توده ها برخاسته است و با کمک مستضعفین بر مستکبرین حمله برده است. مستضعفین در همه طول تاریخ به کمک انبیا برخاسته اند و مستکبرین را به جای خود نشانده اند... مستضعفین بر تمام ادیان حق دارند» (امام خمینی، ۱۳۶۸: ۲۶/۶، ۵۸/۲/۱۸۹). بنابراین استکبارستیزی به عنوان یکی از ارزشهای شیعی، به عنصری مهم در فرهنگ سیاسی شیعه و گفتمان انقلاب اسلامی ایران تبدیل شد. مسئله دیگری که ضرورت مبارزه با استکبار را پرنگ می سازد ایجاد و تقویت سازی روحیه و توحید ناب (الهی) است؛ بدین معنا که انسان توحیدی جامعه الهی می بایست تکیه گاه خود را خداوند بداند. قرآن کریم در این خصوص اشاره می کند که: «قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمُ السَّاعَةُ أَغَيْرِ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ، بَلْ إِيَّاهُ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ» (انعام، آیات ۴۰ و ۴۱) تفسیر این آیات مبارکه نشان می دهد که همواره یکی از اصول سیاست خارجی دولت اسلامی مانند: ج.ا.ایران اصل استکبارستیزی و مبارزه دائمی با استکبار خواهد بود که به درستی در قانون اساسی به منظور هدایت دستگاه دیپلماسی گنجانده شده است.

### غیریت و خصومت:

در نظریه گفتمان با اثبات نفی مواجه هستیم، یعنی هرگفتمان، درعین اثبات خود موارد دیگری را نفی می کند؛ به عبارت دیگر در نظریه گفتمان لا کلاو و موفه، گفتمان ها هویت ساز

هستند و در تلاش برای اثبات هویت خود در صدد نفی غیر یا دیگری خودش بر می‌آید و این‌گونه است که غربت‌سازی می‌شود. به عبارت دیگر هویت چیزی نیست جز آن چه که هر آدمی به وسیله آن، خویش را از دیگری باز می‌شناسد و کیستی و چیستی خود را در پرتو آن تعریف می‌کند، و این‌شناخت از خود و دیگری، جز در پرتویک فرآیندامکان پذیر نیست (تاجیک، ۱۳۸۴: ۱۲). از جمله مواردیکه درگفتمان انقلاب اسلامی به عنوان غیر مطرح می‌شود، باستان‌گرایی افراطی و سکولاریسم و اندیشه لیبرال دموکراسی غربی است که به آن اشاره می‌گردد.

۱- سکولاریسم و باستان‌گرایی: گفتمان انقلاب اسلامی در غیریت‌سازی با سکولاریسم و اندیشه باستان‌گرایی افراطی (شوونیسم) پهلوی در ایران شکل گرفت. باستان‌گرایی افراطی پهلوی با تکیه بر استبداد ایرانی و در ضدیت با نهادها و شعائر مذهبی از گفتمان سنتی ایرانی متمایز می‌گشت و سکولاریسم نیز عملاً به ضدیت با دین و نهادهای دینی و جدایی دین و دولت گرایش داشته که نتیجه آن اسلام‌خواهی نیروهای مذهبی بود. گفتمان انقلاب اسلامی با نگاهی غیریتی به هر دو گفتمان، در صدد بازگرداندن دین به عرصه عمومی و در نتیجه ساختن هویت اسلامی در عرصه سیاسی است (حلبی، ۱۳۷۱: ۳۸). پیروان گفتمان باستان‌گرایی با طرفداری از سلطنت مطلقه، عقیده داشتند که پادشاهی باید در جامعه ایران برقرار باشد و چون شاه خلیفه خدا در زمین محسوب می‌شود، باید این جایگاه در بین افراد سلطنت به صورت موروثی منتقل بشود. رکن اساسی گفتمان انقلاب اسلامی، در برابر آن تشکیل حکومتی بر اساس اسلام و حضور مردم در سیاست بود (کشاوری، ۱۳۷۴: ۶). در نتیجه گفتمان غیر در برابر گفتمان باستان‌گرایی و سکولاریسم، حکومت الهی بود.

۲- لیبرال دموکراسی: درگفتمان انقلاب اسلامی، پذیرش جوامع، نه به صورت اجبار و تحمیل بلکه بر مبنای اقناع و خواست‌های معقول و فطری بشر مورد توجه قرار گرفته است. دستورالعمل‌های این گفتمان ماهیت فرازمانی و فرامکانی دارد و از ابتدا به گونه‌ای تنظیم و تدوین شده که خواست فطری و معقول بشر را در چارچوب فکری و فرهنگی متفاوت و متنوعی

مورد توجه قرار داده است. درگفتمان لیبرال دموکراسی آن چه حاکمیت واقعی دارد، سرمایه داران و منافع آنهاست نه حاکمیت عدالت اجتماعی و تلاش برای تأمین زندگی محرومان (شیرودی، ۱۳۸۳: ۱۴۹). درواقع، از اصول لیبرال دموکراسی، کسب منفعت است، یعنی در هر جاکه منفعت ایجاد کند میتوان دست به هرکاری زد، درمقابل، گفتمان انقلاب اسلامی ظلم ستیز است. استکبارستیزی به عنوان غیر در برابر این گفتمان ظاهر می شود. این گفتمان غیر به عنوان یکی از ارزش های شیعی، یک عنصر و بازیگر مهم در فرهنگ سیاسی شیعه قلمداد می شود.

### هژمونیک شدن گفتمان انقلاب اسلامی (قدرت گفتمان انقلاب)

امام خمینی علیه السلام به عنوان رهبر گفتمان انقلاب اسلامی، در فرآیند هژمونیک شدن و استمرار آن، نقش مهم و اساسی ایفا نمودند. علاوه بر آن، اسلام سیاسی به عنوان شاخصه اصلی و دال مرکزی گفتمان انقلاب از نفوذ اجتماعی و ابزاری قدرت بیشتری نسبت به رقیبان خود برخوردار بود. اسلام سیاسی فقاهتی شیعه به دلیل دسترسی به شبکه بزرگ روحانیت و مخاطبان گسترده آن و برخورداری از استقلال مالی و کانون هایی چون مساجد و حسینیه ها امکان بسیاری در جذب و سازماندهی توده ها و قشرهای گوناگون مردم داشت و از سوی دیگر زبان این گفتمان همه فهم، عامیانه و تهی از اصطلاحات تخصصی و پیچیدگی های نظری دیگر گفتمان ها بود. این امر دسترسی به آن را برای توده ها بسیار آسان می کرد (محمدی، ۱۳۶۵: ۱۰). در بررسی موفقیت اسلام سیاسی فقاهتی، می توان به توانمندی اسلام سیاسی در بازسازی و تطبیق با باورهای شیعی، که اصل بنیادین جامعه ایران به شمار می آید نیز اشاره کرد (عنایت، ۱۳۶۲: ۳۲). این گفتمان با بهره مندی از رهبری امام و با جذب طبقات مختلف مردم، الگویی از جامعه آرمانی - اسلامی را بازنمایی ساخت. در این الگو دال هایی مانند رفاه، آزادی، حقوق بشر، دموکراسی و معنویت در یک زنجیره هم ارزی در کنار جمهوری اسلامی قرار گرفت.

### گفتمان ایران قبل از انقلاب اسلامی

غیریت: گفتمان پهلویسم در پی ایجاد نوعی غیریت و شباهت در سالهای ابتدایی دهه ۴۰ به وجود آمده بود. شباهت را در بخش‌هایی از گفتمان غربی و غیریت را در درجه اول با گفتمان اسلامی و چپ‌گرا و سپس با گفتمان مشروطه و دموکراسی جستجو می‌کرد (حسینی زاده، شفیعی اردستانی، ۱۳۹۶: ۲۵). گفتمان پهلوی یک گفتمان شباهت بود بین مای ایرانی و دیگری بیگانه و سعی در برجسته سازی این شباهت داشت (ادیب زاده، ۱۳۸۷: ۲۰). در گفتمان پهلویسم، اسلام به عنوان پدیده‌ای تحمیلی و عناصر گفتمان آن به عنوان عناصری ویرانگر، غیرطبیعی، خطرناک و تهدیدزا بودند که ضرورت استراتژی نظارت و کنترل مستمر را ایجاد می‌کردند (تاجیک، ۱۳۷۷: ۸۳-۱۰۶). گفتمان چپ نیز مورد سرکوب هردوی آنها- پهلوی و اسلامی- قرار می‌گرفت. دیدگاه‌های چپ مبنی بر اینکه روحانیت نوعی کاست طبقاتی است که حرکت انقلابی آنها، به دلیل تهدید منافع صنفی و طبقاتی آنهاست (جزنی، ۱۳۵۸: ۱۰۰)؛ آنها را به غیر هر دو گفتمان پهلوی و اسلامی تبدیل کرده بود. چنین رفتارهایی سبب شده بود تا گفتمان‌هایی غیریت ساز در برابر گفتمان پهلوی سر برآورد و هر کدام به طور جداگانه در تقابل با آن قرار گیرند.

### دال مرکزی و مفاهیم:

همان‌گونه که بیان شد تنها گفتمان نزدیک به پهلوی، گفتمان لیبرال دموکرات بود که گروه‌هایی مانند جبهه ملی و طبقات جدید و تحصیل کردگان، نمایندگی آن را برعهده داشتند. اما این طبقات نیز اگرچه برخی دارای منافع اقتصادی مناسب از این وضعیت بودند ولی در بعد ایدئولوژیک و سیاسی به تدریج در مقابل در برابر گفتمان پهلوی قرار گرفتند. اما گفتمان پهلوی ظرفیتی برای همکاری با سایر گفتمان‌ها نداشت و حتی گاه مدعی برتری بر تمامی مکاتب و گفتمان‌های بشری چون سوسیالیسم، دموکراسی و لیبرالیسم می‌شد (هنرمند، ۱۳۴۶: ۴۹). این امر سبب انزوای گفتمانی پهلوی و عضویت اجباری در حزب رستاخیز گردید.

هویت: انحلال حزب رستاخیز در پاییز ۵۷ نشانه کامل بی قراری گفتمان حاکم بود. حضور دموکراسی، که از سالهای ۵۶ به بعد از طرف امام و متأثر از فضای گفتمانی آن عصر طرح شد به عنوان دال مرکزی مورد اجماع قرار گرفت؛ چراکه منش استبدادی گفتمان پهلوی، این گفتمان را به گفتمانی برای نفی دیگران تبدیل کرده بود؛ حال آن که دموکراسی راهی برای نفی دیگری نبود، بلکه سبب ساز گفتمانی می شد که حداقل امکان حضور را برای همگان در فضایی ساده شده و استعاری مهیا می کرد. در واقع از آنجایی که قدرت پیش شرط هویت و عینیت است؛ پس بدون قدرت، هویت و متعاقبا جامعه ای وجود نخواهد داشت (Howarth, norval, Stavrakakis, 2000: 171). جامعه ایرانی نیز به سبب استبداد حاکم، فاقد هویت و در واقع دچار سرگردانی بود و صرفا در تلاش برای کسب قدرت و متعاقب آن هویت برای حضور بود. دموکراسی در این شرایط همچون ابزاری برای ابراز هویت در نظر گرفته می شد (حسینی زاده، اردستانی، ۱۳۹۶: ۲۷). با بررسی گفتمان های انقلاب و پهلوی در می یابیم، گفتمان انقلاب با شاخصه مهم اسلام سیاسی در برابر گفتمان پهلوی، توانست هژمون شده و در سال های پسا انقلاب، با تکیه بر دال ها و عناصر گفتمانی خود، سیاست خارجی و داخلی خود را تبیین نماید.

### اصول سیاست خارجی ایران

با توجه به مطالب فوق، از آنجایی که سیاست خارجی هر دولت در برقراری رابطه با دیگر دولتها، با منافع ملت آن دولت و ارزش های حاکم بر جامعه مرتبط است، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران نیز بر حفظ اصولی چون استقلال و تمامیت ارضی و نفی سلطه پذیری، استکبارستیزی، حمایت از مسلمانان و مستضعفان جهان و احیای اندیشه امت اسلامی استوار است. همچنین اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران که در قانون اساسی ذکر شده اند، همگی ریشه در تعالیم قرآنی و روایی و متون فقهی دارد (عمیدزنجانی، توکلی، ۱۳۹۱: ۲۱۸). بنابراین مذهب شیعه توانسته در ابعاد سیاسی اجتماعی، اقتصادی در همه ادوار حکومت ها جایگاهی محکم پیدا کرده و در دوره های

مختلف به عنوان گفتمانی هویت ساز، سبب روشنگری در آحاد و طبقات جامعه گردد. امروز نیز، هنگامی که از جمهوری اسلامی صحبت می‌کنیم، در وهله نخست این صفت اسلامی است که قاعدتاً تعیین کننده مجموعه هنجارها و ارزشهایی است که، بیش از همه یا شاید به شکل مشخص‌تری، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران را تحت تأثیر قرار می‌دهد و می‌توان گفت که هویت اسلامی جمهوری اسلامی است که تعیین کننده منافع و اهداف سیاست خارجی و تعیین کننده چگونگی هدایت سیاست خارجی است (مشیرزاده، ۱۳۸۹: ۲۱). که نقش باورهای مذهب تشیع به عنوان مذهب اکثریت جامعه ایرانی را در شکل‌گیری و پیروزی انقلاب و همچنین سیاست خارجی ایران را می‌توان تبیین نمود.

بنابراین، با وقوع انقلاب اسلامی در ایران، هنجارهای ناشی از فرهنگ اسلامی مبتنی بر آموزه‌های مکتب شیعه به عنوان یکی از مهمترین منابع شکل دهنده هویت جمهوری اسلامی ایران، برای این نظام به صورت یک ایدئولوژی سیاسی درآمد و علاوه بر تکوین هویتی خاص بر آن، یک نظام اخلاقی و ارزشی خاص را نیز برای قضاوت و داوری در خصوص سیاست‌ها، اقدامات و رفتارهای این کشور و سایر کشورها ایجاد تعیین می‌کند (Mirbagheri, 2004: 558).

در قانون اساسی ایران، جمهوری اسلامی نه تنها ملزم است که تمامیت ارضی خود را پاس بدارد و در عرصه روابط بین الملل به عنوان کشوری مستقل ظاهر شود بلکه ملزم به خودداری از هر نوع عملکردی که به نوعی منجر به سلطه اجانب بر شئون سیاسی، اقتصادی، فرهنگ و... ایران می‌گردد، است و سیاست عدم تعهد در برابر سلطه‌گری را در پیش گیرد (عمیدزنجانی، توکلی، ۱۳۹۱: ۲۱۹).

با بررسی آیات و روایات در می‌یابیم که لزوم تامین حفظ استقلال و تمامیت ارضی وطن اسلامی که فقها از آن به دارالاسلام تعبیر کرده‌اند، به وفور به چشم می‌خورد. در آیه ۶ سوره انفال «يَجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ»

خداوند مسلمانان را به کسب قدرت نظامی به عنوان راهکاری جهت حفظ استقلال و تمامیت ارضی و جمعیتی فرا میخواند. همچنین در آیه ۱۱۸ «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا بطانَةً مِنْ دُونِكُمْ لَا يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ الْآيَاتِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ» گوشزد می‌کند که دشمنان خود را بهتر بشناسیم و هشیار باشیم زیرا آنان دره‌ای در توطئه و فتنه علیه شما کوتاهی نمی‌کنند و در آیه ۲۸ «لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَنْ تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَاةً وَيَحَدِّثْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ» سوره آل عمران، پذیرش ولایت کفار از سوی مومنان را ممنوع کرده و ایمان را شرط اصلی مدیریت و سرپرستی میداند و هشدار میدهد که مبدا به خاطر کامیابی و رفاه چند روز دنیا سلطه کفار را بپذیرد، در آیه ۱ سوره ممتحنه «یا ایها الذین آمنوا لا تتخذوا عدوی وعدوكم اولیاء تلقون الیهم بالموَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ یُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِیَاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَادًا فِی سَبِیْلِی وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِی تُسْرَوْنَ إِلَیْهِمْ بِالْمُودَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ یَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِیْلِ»، جامعه مسلمانان را از سلطه پذیری کافران و حتی نزدیکی و دوستی با آنان برحذر می‌دارد که مبدا این دوستی زمینه ساز به چالش کشیدن تمامیت فکری و فرهنگی جامعه اسلامی شود و بر مسلمانان سلطه یابند (عمید زنجانی، توکلی، ۱۳۹۱: ۲۲۱-۲۲۰).

در اصل ۱۵۲ قانون اساسی با تأکید بر نفی هر گونه سلطه جویی و سلطه پذیری، استکبارستیزی را از ارکان مهم سیاست خارجی ایران برشمرده است. که این اصل برگرفته از احکام اسلامی است. اسلام اگرچه مسلمانان را به جمع آوری تسلیحات نظامی و تربیت نیروی نظامی ترغیب می‌کند و سلطه و سبیل کافران را بر آنان مردود می‌انگارد اما سلطه جویی و استکبار را نیز بر نمی‌تابد. همان گونه در آیات ۱۳ سوره حجرات «یا ایها الناس إنا خلقناکم من ذکرٍ وأنثی وجعلناکم شعوبًا وقبائل لتعارفوا إنا أکرَمکم عند الله أثقاکم إنا الله علیکم خبیر»، آیه ۲۳ سوره نحل «لأجرم أن الله یعلم ما یسرّون وما یعلنون إنا لا یحب

المُسْتَكْبِرِينَ»، و آیه ۸۳ سوره قصص «تِلْكَ الدَّائِرَةُ الْأَخْرَىٰ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ»، مسلمین از تکاثر طلبی و زیاده خواهی و استکبار منع شده‌اند. آیه ۹۰ سوره نسا بیان می‌دارد: «فَإِنْ اعْتَرَفْتُمْ فَلَمْ يَقَاتِلُوكُمْ وَأَلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا» به صراحت به نفی سلطه جویی در اسلام اشاره می‌کند. یکی از نتایج عملی این اصل این است که سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و در نتیجه ساخت جنگ افزارها باید در جهت نیل به اهداف تدافعی، و نه تهاجمی باشد (عمید زنجانی، توکلی، ۱۳۹۱: ۲۲۱).

### منابع استکبارستیزی در قرآن

در بررسی اصطلاح «استکبار» و «مستکبرین» در فرهنگ اسلامی ناگزیریم نخست این مفاهیم را مورد کنکاش قرار دهیم.

الف) استکبار: استکبار از مصدر باب استفعال است و آن را به معنی کبروتکبر و به معنای تعظم و بزرگی هم در نظر گرفته‌اند (قرشی، ۱۳۹۷: ۲ / ۸۰۲). علامه طباطبایی تصریح می‌کنند که استکبار همیشه نارواست و قید به غیر حق در آیه «فَأَمَّا عَادٌ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ مِنَّا قُوَّةً أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ» (فصلت، ۱۵) توضیحی است، نه آن که استکبار به حق نیز وجود داشته باشد (طباطبایی، ۱۳۸۳: ۱۷ / ۳۷۶). قرآن کریم شیطان را پیشوای مهم مستکبران می‌داند و علت آن را هم در عدم پذیرش حق از جانب شیطان معرفی می‌کند. قرآن کریم همواره در موارد متعددی جریان جهان را به دو جبهه حق و باطل تقسیم می‌نماید که هر یک دارای ویژگی‌های منحصر به خود است. درگیری حق و باطل نیز همواره در طول تاریخ برقرار بوده است و ادامه هم پیدا خواهد کرد. خداوند در قرآن کریم هدف از ارسال انبیاء و کتب آسمانی را خارج کردن بشر از جبهه‌ی باطل و گرویدن به جبهه حق می‌داند: «كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ» (ابراهیم، ۱). بنابراین تصریح قرآنی جریان حق و باطل در مقابل هم قرار دارند و مومنین موظف می‌باشند



جریان باطل را رد نمایند و از آن تبری جویند: «وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِّبِينَ» (نحل، ۳۶). در این آیه شریفه از قرآن حاکمیت غیر خداوند تعبیر به طاغوت شده است پس از طاغوت می‌تواند نوعی دیگری از استکبار باشد که سعی در ظلم و تعدی مظلوم در ابعاد فردی و حاکمیتی آن می‌باشد. بنابراین یکی از اصول قرآنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران مبارزه با طاغوت و استکبار می‌باشد (دهقانی فیروزآبادی، روحی، ۱۳۹۷: ۶۰).

آیات دیگری با توجه به مضمون و تفسیرهای آن وجود دارند که به نفی سلطه بیگانه، مبارزه با استکبار و طاغوت اشاره دارند از جمله: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَمْ يَزْتَابُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ» (حجرات، ۱۵). در این آیه جهاد و مبارزه مومن در مقابل جبهه باطل و به نوعی استکبار و طاغوت می‌باشد. در سوره مبارکه نساء آیه ۶۰ خداوند مومنانی که در صدد اقامه دعوا نزد مستکبرین و طواغیت هستند را مورد مذمت قرار می‌دهد: «أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا».

### گفتمان استکبارستیزی در بیانیه گام دوم انقلاب

مقام معظم رهبری در ابتدای بیانیه گام دوم، گوشه‌ای از تاریخ انقلاب اسلامی را ذکر نموده و برخی از دستاوردهای مهم آن بر می‌شمارند. برخی از مفاهیم و دستاوردهای مهم مورد تأکید معظم له در این بیانیه عبارتند از:

افزایش معنویت و اخلاق در جامعه، به اوج رسانیدن مشارکت مردمی و خدمت رسانی، ثبات و امنیت و حفظ تمامیت ارضی، ارتقای بینش سیاسی آحاد مردم و سنگین کردن کفه عدالت در تقسیم امکانات عمومی کشور و ایستادگی روز افزون در برابر قلدران و مستکبران جهان که هریک از آنها در تحقق دولت اسلامی نقشی حیاتی دارند (بیانیه گام دوم

انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673> علاوه بر موارد

فوق الذکر، مولفه‌هایی همچون مردم‌سالاری دینی، اسلام سیاسی، باور به جامعیت و جهان‌شمولی اسلام، وحدت جهان اسلام، مرزبندی هویتی با دشمنان، مردمی بودن، مستضعف‌نوازی و استکبار‌سنیزی و جست و جوی عزت در سایه‌ی اسلام، ارجحله اصول تجدید ناپذیر انقلاب اسلامی به شمار می‌رود (مرویان حسینی، ۱۳۹۷: ۶).

### استکبارستیزی و بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

استکبارستیزی یکی از شاخصه‌های مهم سیاست خارجی دولت اسلامی و به تبع آن جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی می‌باشد. همان‌طور که بیان شد از اصول مهم قرآنی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران موضوع استکبارستیزی و مبارزه با مستکبرین می‌باشد.

استکبارستیزی به عنوان اصل مهم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران بعد از فروپاشی گفتمان پهلوی و حاکم شدن گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه روابط خارجی به عنوان یک مولفه‌ی هدایت‌کننده مطرح شده است. اساساً مفهوم استکبارستیزی تا قبل از انقلاب اسلامی ایران در دستگاه گفتمانی سیاست خارجی ایران جایگاهی نداشت اما بعد از انقلاب اسلامی این مفهوم در سیاست خارجی جمهوری اسلامی با توجه به این که شعار انقلاب استقلال و آزادی بود به عنوان یک اصل اساسی در نظر گرفته شد، اصلی که ریشه در ارزش‌ها دینی و باورهای مذهبی رهبران انقلاب اسلامی داشت.

مقام معظم رهبری در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی سه بار به واژه استکبار و پنج بار به واژه مستکبر اشاره داشته‌اند و در بند یازده بیانیه گام دوم، اساساً وقوع انقلاب اسلامی ایران را و سپس سقوط شوروی را موجب ظهور پدیده‌ای جدید با عنوان تقابل اسلام و استکبار غرب به رهبری آمریکا می‌دانند، پدیده‌ای که اساساً موجب تغییر مسیر جهان و نظام بین‌الملل خواهد شد. در بخشی از این بیانیه آمده است: «با سقوط شوروی و پدید آمدن قطب‌های

جدید از قدرت در جهان تقابل دوگانه وجدیدی از اسلام و استکبار وجه غالب در نظام بین‌الملل خواهد شد.....» (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>). مطابق این نظریه بیان ملت‌های ستم دیده و زیریوغ استعمار خواهان استقلال، آزادی خواهی خواهند بود و به واسطه این رویکردها مبارزه با استعمار قدرت‌های بزرگ و استکباری مانند ایالات متحده آمریکا امری لازم و ضروری بوده است. پدیده‌ی انقلاب اسلامی ایران با توجه به آرمان‌ها و شعارهای استقلال خواهی و ضد استکباری به عنوان الگویی در جهت مبارزه با استکبار و استعمار برای دیگر ملل جهان شد. و به همین دلیل بود که مبارزه با پدیده‌ی استکبار و استکبارستیزی بعد از انقلاب اسلامی ایران وجه غالب دیگر گفتمان‌های ملت‌های ستم دیده شد و به یک سیاست راهبردی وجهت دهنده مبدل گشت. رهبران انقلاب اسلامی، آیت‌الله خامنه‌ای در مراسم دانش‌آموختگی دانشجویان دانشگاه امام حسین علیه السلام، به مبارزه و مقابله با سلطان جائر اشاره داشته و خاطر نشان می‌کنند که سلطان فقط به معنی پادشاه و فرمانروا نیست؛ سلطان یعنی قدرت؛ امروز سلطان، جبهه‌کفر و استکبار است، جبهه‌ای که در آن صهیونیسم‌ها و آمریکاییان حضور دارند. ایشان در این سخنرانی بیان می‌دارند که جبهه صهیونیسم و آمریکا همان جبهه و خط مقدم مبارزه با استکبار است و ایشان آمریکا را مصداق استکبار و سلطان جائر می‌دانند و مبارزه و مقابله با این جبهه را لازم و ضروری می‌دانند. در نگاه گفتمانی رهبر معظم انقلاب جهان پسا شوروی دو قطبی می‌باشد که در یک طرف اسلام با محوریت انقلاب اسلامی می‌باشد و در سوی دیگر آن استکبار با محوریت آمریکا و رژیم اشغال گر قدس قرار دارد. به باور رهبر انقلاب سیاست خارجی استکبارستیز منبعت از سیاست‌های داخلی می‌باشد که نمود پیدا می‌کند.

ایشان در بنده ۲ بیانیه گام دوم به مشارکت فراگیر و شمول گرای مردمی در مقابل استکبار و اثرگذاری آن در سیاست خارجی اشاره می‌کنند. رهبر انقلاب اسلامی با نگرشی آینده پژوهانه در بیانیه گام دوم مولفه‌هایی برای کارآمدی سیاست خارجی استکبارستیز بیان

می‌دارند که به شرح زیر می‌باشد: (۱) افزایش اقتدار، (۲) خروج و اخراج آمریکا از منطقه غرب آسیا و (۳) حمایت ایران از محور مقاومت از جمله مولفه‌های مهم در افزایش قدرت سیاست خارجی استکبارستیز جمهوری اسلامی ایران می‌باشد. به باور رهبر فرزانه انقلاب اسلامی، ویژگی‌هایی چون: اتحاد و انسجام داخلی، توانمندسازی اقتصاد، توجه به فرهنگ دینی و اسلامی، اهمیت یافتن ارزش‌های انقلاب اسلامی، تقویت قدرت بازرندگی در بُعد دفاعی و هسته‌ای و همچنین استفاده از ظرفیت تفکری و ظرفیت نیروی انسانی جوان انقلابی در مدیریت‌ها می‌تواند جبهه مقابله با استکبار در هم در داخل و هم در عرصه سیاست خارجی تقویت نماید (بیانیه گام دوم انقلاب ۱۳۹۷/۱۱/۲۲، <https://farsi.khamenei.ir/message-content?id=41673>) ایشان همواره در این بیانیه از مقاومت ضد استکباری در برابر دشمنان در عرصه‌های داخلی و خارجی استفاده می‌کنند. در بخشی دیگری از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی تمدن‌سازی نوین اسلامی از دیگر وجوه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در مقابله با استکبار و استعمار نوین می‌باشد. ایشان بیان می‌کند بدون تمدن‌سازی نوین اسلامی ظرفیت‌سازی لازم برای مقابله با استکبار جهانی فراهم نمی‌آید به همین دلیل تمدن نوین اسلامی را پیش‌شرط لازم برای مقابله با استکبار بین‌المللی می‌باشد. اساساً دست‌اندرکاران دستگاه دیپلماسی و سیاست خارجی کشور با الهام از بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مبارزه با استکبار جهانی را در اصول و مولفه‌های راهبردی خود وارد نمایند و با آگاه‌سازی ملت‌های ستم‌دیده در مقابل اقدامات استکبار گرایانه قدرت‌های بزرگی چون آمریکا ایستادگی نمایند. به طور کلی استکبارستیزی یکی از موضوعات محوری بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی است که از ملزومات تحقق تمدن نوین اسلامی می‌باشد. تمدن‌سازی که اساساً بدون مبارزه و مقابله با استکبار که در غالب چهره‌های جدید مانند: وهابیت در غرب آسیا، نظامی‌گری‌های کشورهای منطقه مانند عربستان سعودی، سربرآوردن گروه‌های افراطی و نئونازیسم و یا جریان‌های راست افراطی در اروپا، بازتولید شده‌اند نمی‌تواند ایجاد شود. پس لازمه تمدن‌سازی نوین اسلامی مبارزه برسرحق و حقیقت می‌باشد که

باید صورت پذیرد. توجه به تقویت چندجانبه‌گرایی و حرکت در مسیر ایجاد یک هسته مقاومت منطقه‌ای و بین‌المللی برای مقابله با استکبار از دیگر نکات مهم در بیانیه گام دوم انقلاب برای عرصه سیاست خارجی کشور می‌باشد. جمهوری اسلامی ایران با عطف به این بیانیه باید با خودباوری و شناخت دقیق از واقعیت‌های بین‌المللی و برنامه‌ریزی‌های هوشمندانه علیه مبارزه با استکبار جهانی قدم بردارد و تمام تلاش خود را برای گسترش حوزه نفوذ استراتژیک و شبکه‌سازی قدرت انجام دهد تا زمینه تحقق سیاست خارجی ضد استکباری فراهم آید.

### نتیجه‌گیری

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۳۵۷ با گفتمان غالب اسلام سیاسی در برابر گفتمان سکولاریزاسیون پهلوی به پیروزی رسید. پیروزی انقلاب اسلامی با بستر دینی سبب ورود دین به عرصه سیاسی-اجتماعی و یا به تعبیر هابرماس وارد گفتمان عرصه عمومی-خارجی گردید. چنانکه در برابر پاسخ‌گویی به سوالات و موضوعات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی؛ اسلام سیاسی فقاهتی؛ به عنوان دال مرکزی گفتمان انقلاب در تمامی شئون زندگی آحاد جامعه و همچنین کارگزاران انقلاب راهبرد و مشی سیاست‌گذاری-تصمیم‌سازی وارد شد. همان‌طور که بیان شد گفتمان پهلوی با دال‌های چون سکولاریسم، باستان‌گرایی افراطی و همچنین دیدگاه لیبرالیسی، در پی صورت بندی قدرت استبدادی و هژمونی خود بود. اما با حضور عنصر غیر و دیگری چون اسلام سیاسی، این مولفه توانست به عنوان دال مرکزی و هویت انقلاب اسلامی در برابر گفتمان پهلوی قرار بگیرد و در برابری به هژمونی برسد. با پیروزی انقلاب اسلامی وغالب شدن گفتمان حاکم بر آن، مفاهیمی چون استکبارستیزی، حکومت اسلامی، عدالت، آزادی و مردم‌سالاری دینی در قالب این گفتمان صورت بندی شد. این نوشتار با تحلیل این دوگفتمان، و بررسی مفهوم استکبارستیزی در افکار و اندیشه‌های رهبران انقلاب اسلامی با تکیه بر آیات و روایات، سیاست خارجی ایران را تبیین و تفسیر نمود. در دهه چهارم انقلاب، مقام معظم رهبری با تبیین راهبردی انقلاب اسلامی

و همچنین در جهت راهکاری برای ایران فردا، بیانیه گام دوم انقلاب را برای مردم جامعه ترسیم نمودند. از آنجایی که مفهوم استکبار ستیزی در آیات و روایات متعددی برای جامعه مسلمان ذکر شده و همچنین در قانون اساسی ایران بر اساس قوانین فقهی شیعه، استکبار ستیزی را به عنوان اصلی مهم در سیاست خارجی ایران گنجانده شده است، بیانیه گام دوم انقلاب، تمدن سازی نوین اسلامی را پیش شرطی برای مقابله با استکبار جهانی می داند. چنانکه مشارکت عمومی مردم در برابر استکبار و تاثیر آن در سیاست خارجی به وضوح نمایان است. همان طور که بیان شد این بیانیه در راستای راهبردی برای فردای ایران تنظیم شده است، بنابراین اتحاد و انسجام داخلی، توجه به فرهنگ اسلامی، توانمندی اقتصادی، تقویت توان نظامی و استفاده از نیروهای جوان در مدیریت کشور میتواند سبب تقویت تفکر استکبار ستیزی در عرصه های سیاسی داخلی و خارجی گردد. به طور کلی میتوان با تاثیر از بیانیه گام دوم، اقدامات عملی را در سیاست خارجی ایران به کار بست. چنانکه در قرآن به صراحت به تقابل با مستکبرون فی سبیل اشاره شده است، در نتیجه می توان با آگاه ساختن مستضعفین جهان آنها را در برابر استکبار جهانی تقویت نمود که این امر جز تنها با دستورکار قرار گرفتن مبارزه با استکبار در سیاست خارجی کشور امکان پذیر نمی باشد. بیانیه گام دوم تلاشی برای آگاه ساختن جوانان انقلابی و نقشه راهی برای فردای ایران با خود باروری و تیزبینی دستگاه سیاست خارجی ایران در جهت مبارزه با استکبار جهانی می باشد.

## منابع و مآخذ:

### قرآن کریم

۱. آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۹)، دیدار با اعضای بسیجی هیات علمی دانشگاه‌ها دوم تیر ۱۳۸۹.
۲. آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۷۹)، دیدار مسئولان وزارت امور خارجه و سفرای جمهوری اسلامی ایران با رهبر انقلاب.
۳. آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۸۷)، دیدار با نمایندگان مجلس خیرگان هفتم شهریور ۱۳۸۷.
۴. آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۴)، دیدار با دانش‌آموزان و دانشجویان در آستانه روز ملی مبارزه با استکبار جهانی ۱۲ آبان ۹۴.
۵. آیت الله خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۷)، بیانیه گام دوم انقلاب.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴)، لسان العرب، بیروت: دار صادر.
۶. ادیب‌زاده، مجید (۱۳۸۷)، گفتمان، زبان و سیاست خارجه، چاپ اول، تهران: نشر اختران.
۷. اکبری، کمال (۱۳۸۷)، سیرت‌طور فقه سیاسی شیعه، تهران: دفتر پژوهش‌های رادیو.
۸. امام خمینی، روح الله (۱۳۶۸)، صحیفه امام، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، جلد ششم، (بهمن تا فروردین ۱۳۵۸).
۹. امام خمینی، روح الله علیه السلام (۱۳۷۲)، کلمات قصار، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۱۰. امام خمینی، روح الله (۱۳۵۸)، ولایت فقیه، تهران: کاوه.
۱۱. بهرام‌پور، شعبانعلی (۱۳۷۹)، «درآمدی بر تحلیل گفتمان»، در مجموعه مقالات و تحلیل گفتمانی، به اهتمام محمدرضا تاجیک، انتشارات فرهنگ گفتمان.
۱۲. تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷)، «قدرت و امنیت در عصر پارادایم»، مجله گفتمان،

شماره ۱، صفحات ۴۲-۲۷.

۱۳. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۳)، «جهانی شدن هویت»، فصلنامه رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی، شماره ۳، صفحات ۱۶۲-۱۴۰.
۱۴. تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۴)، «انسان مدرن و معنای هویت»، فصلنامه مطالعات ملی، سال ششم، شماره ۲۱، تهران: مؤسسه مطالعات ملی.
۱۵. جزنی، بیژن (۱۳۵۸)، تاریخ سی ساله ایران، تهران: مازیار.
۱۶. جهانیان، رمضان؛ شفازاده، احمد (۱۳۹۲)، «انقلاب اسلامی و جهانی شدن»، نشریه علمی-پژوهشی راهبرد، سال بیست و دوم، شماره ۶۷، تابستان ۱۳۹۲، صفحات ۱۱۶-۵۹.
۱۷. حسینی بهشتی، محمدعلی (۱۳۸۶)، آزادی، هرج و مرج، زورمداری، تهران: بقعه.
۱۸. حسینی زاده، سیدمحمدعلی (۱۳۸۶)، اسلام سیاسی در ایران، قم: مؤسسه انتشارات دانشگاه مفید.
۱۹. حسینی زاده، سیدمحمدعلی؛ شفیعی اردستانی، رضا (۱۳۹۶)، «تحلیل دوره‌های زمانی گفتمان انقلاب اسلامی با تکیه بر رهبری امام خمینی (عج)»، پژوهشنامه متین، سال نوزدهم، شماره ۷۷، زمستان ۱۳۹۶، صفحات ۴۳-۲۱.
۲۰. حلبی، اصغر (۱۳۷۱)، تاریخ نهضت‌های دینی معاصر، تهران: نشر بهبهان.
۲۱. خالق‌پناه، کمال؛ حبیبی، فواد (۱۳۹۳) «نظریه گفتمان به مثابه روش شناسی مطالعات فرهنگی»، مقاله چاپ شده در کتاب درآمدی بر روش شناسی مطالعات فرهنگی، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
۲۲. دهقانی، فیروزآبادی؛ روحی، مهدی (۱۳۹۷)، «نسبت استکبارستیزی با صلح و مذاکره در منابع سیاست خارجی ج.ا.ا»، اندیشه سیاسی در اسلام، بهار ۱۳۹۷ شماره ۱۵.
۲۳. دوسوسور، فردینان (۱۳۷۰)، «مبانی ساخت‌گرایی در زبان شناسی» در: ساخت‌گرایی، پسا ساخت‌گرایی و مطالعات ادبی، نوشته فرزاد سجودی، تهران: هرمس.
۲۴. شیروودی، مرتضی (۱۳۸۳)، «لیبرال دموکراسی در بوته نقد»، فصلنامه حصون،



- شماره ۲، زمستان ۱۳۸۳، صفحات: ۱۶۲-۱۳۲
۲۵. طباطبایی، سید محمد (۱۳۸۳)، المیزان فی تفسیر القرآن، جلد ۱۷، الجماعه المدرسین بقم المشرفه: موسسه النشر الاسلامی
۲۶. عضدانلو، حمید (۱۳۷۵)، «درآمدی برگفتمان یا گفتمانی درباره گفتمان»، مجله اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره های ۱۰۴-۱۰۳
۲۷. عمیدزنجانی، عباسعلی؛ توکلی، محمد مهدی (۱۳۹۱)، «مبانی دینی اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه حقوق، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۱، صفحات ۲۳۲-۲۱۷
۲۸. عنایت، حمید (۱۳۶۲)، اندیشه سیاسی اسلام معاصر، تهران: خوارزمی.
۲۹. فیاضی، سید علی (۱۳۸۰)، «مردم سالاری دینی، گفتمان آیت الله خامنه ای»، کتاب نقد، شماره ۲۰ و ۲۱، پاییز و زمستان
۳۰. قاضی زاده، کاظم (۱۳۷۷)، اندیشه های فقهی-سیاسی امام خمینی، تهران: مرکز تحقیقات استراتژیک ریاست جمهوری.
۳۱. قرشی، جمال (۱۳۹۷)، الصّراح من الصّحاح؛ فرهنگ واژگان تازی به فارسی جلد دوم، مصحح: محمد حسین حیدریان، تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
۳۲. کشاورز، عباس (۱۳۷۴)، «انقلاب اسلامی ایران؛ ایدئولوژی شیعه بازتفسیر آن»، روزنامه ایران، سال دوم، شماره ۳۲۸.
۳۳. لاکلا، ارنستو (۱۳۷۹)، «واسازی، ملی گرایی، هژمونی»، ترجمه جواد علی صدوقی، در: محمدرضا تاجیک (گردآورنده)، گفتمان و تحلیل گفتمانی، تهران: فرهنگ گفتمان.
۳۴. محمدی، منوچهر (۱۳۶۶)، اصول سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران: امیرکبیر.
۳۵. محمدی، منوچهر (۱۳۶۵)، تحلیلی بر انقلاب اسلامی، تهران: امیرکبیر.
۳۶. مرویان حسینی، سید محمود (۱۳۹۷)، «نگاهی به کلیدواژه های مهم در بیانیه گام دوم

- انقلاب»، مجله علمی ترویجی مشکوه، زمستان ۱۳۹۷، صفحات ۷-۵
۳۷. مشیرزاده، حمیرا (۱۳۸۹)، «تحلیل سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران از منظر سازه انگاری»، در: نسرین مصفا، نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.
۳۸. مطهری، مرتضی (۱۳۷۵)، مجموعه آثار، ج ۱، تهران: انتشارات صدرا.
۳۹. مطهری، مرتضی (۱۳۵۸)، پیرامون انقلاب اسلامی، تهران: صدرا.
۴۰. میراحمدی، منصور؛ شیرینی، اکرم (۱۳۸۸)، «عدالت سیاسی در گفتمان اسلام سیاسی
۴۱. فقاهتی»، نشریه علوم سیاسی، سال ۱۲، شماره ۴ (پیاپی ۴۸).
۴۲. نش، کیت (۱۳۸۰)، جامعه شناسی سیاسی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران: کویر.
۴۳. هنرمند، منوچهر (۱۳۴۶)، فلسفه پهلویسم، تهران: انتشارات علمی.
۴۴. هوارث، دیوید (۱۳۷۷)، «نظریه گفتمان»، فصلنامه علوم سیاسی، ترجمه سید علی اصغر سلطانی، شماره ۲.
۴۵. یورگنسن، ماریان، لوییز فیلیپس (۱۳۸۹)، نظریه و روش در تحلیل گفتمان، ترجمه هادی جلیلی، تهران: نشر نی.
۴۶. Esposito, John L. (2000), Political Islam: in IQF.56
۴۷. Fairclough, Norman (2001). **Language & power**, London: Longman.
۴۸. Howarth, D & Noarval, A & Stavrakakis, G (2000). **Discourse theory and political analysis**, Manchester: university press.
۴۹. Laclau E (1990). *New Reflections on the Revolution of Our Time*, London: Verso
۵۰. Laclau E, and C, Mouffe (1985). *Hegemony and Socialist Strategy Towards a Radical Democratic*, London: Verso.
۵۱. Mirbagheri, F. 2004. "shiiism and Iran's foreign policy". *The Muslim world*,. Vol 94.No 3.